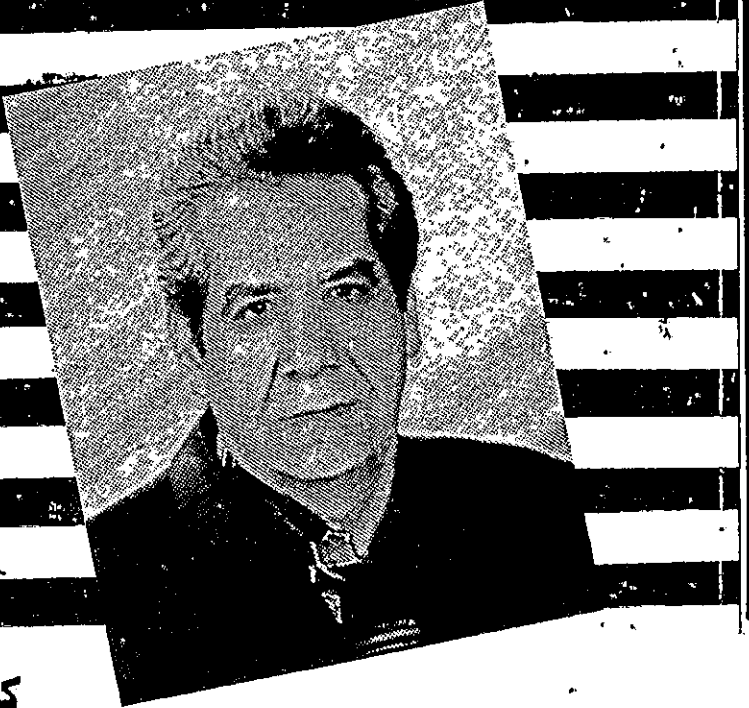


گفتگو با چهره‌های آشنا در هنر عکاسی



کاووس گودرزی

وقتی برای اولین بار تصویری بر نوار سلولوئیدی نقش بست، هیچ کس فکر نمی‌کرد جهان در آستانه سال ۲۰۰۰ به پیشرفتی عظیم در هنر عکاسی دست پیدا کند. امروزه عکاسی تنها جنبه هنری ندارد، بلکه اقتصاد، صنعت، پزشکی و تمامی امور زندگی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. عکاسی ثبت لحظات مختلف زندگی در تمامی ابعاد آن است. هنر عکاسی بار سنگین ثبت تاریخ را با خود به همراه دارد. عکاسی عشق است، تصاویر را وقتی که ورق می‌زنیم، روز شمار لحظات زندگی و خاطره‌های تلخ و شیرین آن است. با عکاسی به سفر خاطره‌ها می‌رویم به دنیای نور، رنگ، صدا و حرکت که با دیدن هر عکس در ذهن ما جان می‌گیرد. دنیای زیبای تصویر، واژگان حیات. آدمی است پیدایش عکاسی نیز در ایران. داستان شیرین و خاطره‌انگیز خودش را دارد. از اولین پیش‌کسوتان عکاسی در ایران تاکنون که نوجوانی با دوربینی هر چند کوچک به شکار لحظه‌ها می‌پردازد. در گوشه و کنار ایران بزرگ هستند هنرمندان عکاسی که با پشتوانه‌ای کهن از تجربیات خود با دنیای عکس زندگی می‌کنند. کاووس گودرزی یکی از همین هنرمندان بشمار می‌رود. شاید خیلی‌ها او را بشناسند و با ویژگیهای کار او آشنا باشند. تلاش خستگی‌ناپذیر او را لمس کرده باشند و تصاویر خاطره‌انگیز او را در لابلای صفحات آلبوم خود جاودانه کرده باشند.

کاووس عاشق ایران و طبیعت بی‌نهایت این سرزمین کهن است، این عشق را در تصاویر بی‌شمار او از گستره ایران اسلامی میتوان به وضوح دید. ایران از نگاه دوربین عنوان نمایشگاهی است که کاووس مصمم است در آینده نزدیک به یاری همکاران و اساتید فن عکاسی برگزار کند. به انگیزه برپایی این نمایشگاه بی‌نظیر همکار ما گزارشی تهیه کرده است که با هم می‌خوانیم:

اواسط اردیبهشت ماه

در یکی از روزهای آفتابی تهران به دیدار کاووس می‌روم. آلبوم عکس‌هایش را با مهربانی در اختیارم قرار میدهد و آنها را می‌گشایم. تصاویری جذاب و دوست‌داشتنی. در میان عکس‌های خاطره‌انگیز کودکان عکس‌هایی از مراسم مختلف و عکس‌هایی از مناظر و آثار باستانی ایران وجود دارد. در آنها که میتوان شوق و ذوق عشق عکاس را به تمامی دید. کاووس فارغ‌التحصیل از مدرسه عالی عکاسی آلمان می‌باشد و سالها در خارج از کشور زندگی کرده ولی اصالت ایرانی بودن خود را حفظ کرده و آگاهانه توانسته

است طبیعت زیبا و مناظر تاریخی ایران را از لنز دوربین بر دل آثارش بنشانند و اینچنین است وقتی از او می‌پرسم چه چیز را بیشتر از همه دوست دارید؟ می‌گوید: ایران را و ملت‌م را.

کاووس ظاهری آراسته دارد و با چهره‌ای گشاده با انسان برخورد میکند. در تمام مدتی که با او حرف می‌زنم لیخندی بر لبانش نقش می‌بندد و می‌گوید: هرگاه احساس کنم عکس‌هایی که گرفته‌ام مورد رضایت مردم قرار می‌گیرد خوشحال و غرق در شادی و سرور می‌شوم. کاووس در مدتی که در خارج از کشور زندگی کرده است رشد و ارتقاء رشته هنری خویش را سرلوحه کار خود قرار داده و نمایشگاهی تحت عنوان «کنجینه خاطرات» در آلمان تشکیل داد که از درخشش و موفقیت بسیاری برخوردار گردید. کاووس در پاسخ تفاوت کار عکاسی در ایران و خارج با فروتنی می‌گوید: واقعاً نمی‌توان مقایسه کرد. عکاسی در جهان امروز پیشرفت فوق‌العاده‌ای کرده است و به لحاظ تکنولوژی بی‌نظیر است. متأسفانه در ایران این هنر ارزشمند و گرانبها از پیشرفت لازم برخوردار نیست، البته ما عکاسان خوبی داریم، ذوق و استعداد و خلاقیت زیادی وجود دارد اما مشکل کمبود امکانات به شدت آزار دهنده است. اگر کسی بخواهد سازنده باشد، بعضی‌ها بدون هیچ دلیل و منطقی آزارش میدهند و می‌خواهند به هر شکل او را دلسرد کنند. حرفش را ناتمام می‌گذارد و با اندوه می‌گوید: بهتر است چیزی نگویم... او را اندکی به حال خود می‌گذارم و به تماشای عکس‌ها مشغول می‌شوم. مناظر بسیار زیبایی از طبیعت ایران - آثار تاریخی کشور در شهرهای مختلف، از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق کشور، زیرچشمی به کاووس نگاه میکنم غرق در تفکر است احساس میکنم او هم مثل خیلی‌ها دلشوره دارد، نگران کار و هنرش می‌باشد. برای اینکه از این احساس ناامنی بیرون بی‌آورم موضوع بحث را عوض میکنم و از او در مورد نمایشگاهی که قرار است به سمت وی تشکیل گردد سؤال میکنم

کاووس پاسخ میدهد: ابتدا باید این نکته را بگویم که این نمایشگاه، نمایشگاه من نیست. نمایشگاه ایران است مربوط به همه همکاران عکاس ایرانی. من از تمامی آنها یاری خواسته‌ام تا بتوانم عظمت ایران بزرگ را در نمایشگاه عکسی به نام «ایران از نگاه دوربین» متجلی سازم. این طرح را من سالها مورد مطالعه و بررسی قرار

داده‌ام. در این نمایشگاه چشم‌اندازهای ایران بزرگ، آثار باستانی و پرتله‌های هنرمندان و شخصیت‌های سیاسی و همچنین وقایع مهم تاریخ ایران وجود دارد و امیدوارم با کمک وزارت ارشاد و اتحادیه عکاسان و شهرداری تهران بتوانم این حرکت عظیم را به معرض دید و قضاوت هموطنان و تمامی کسانی که به ایران عزیز عشق می‌ورزند قرار دهم.

در آخر از کاووس می‌خواهم اگر صحبت خاصی برای آگاهی خوانندگان مجله دارد عنوان کند او می‌گوید: انتخاب عکاس و تصویربردار در مجالس خانوادگی امری مهم است و شخصی که قرار است لحظات شیرین زندگی و لحظاتی که فقط برای یکبار اتفاق می‌افتند و می‌خواهد برای همیشه جاودانه بماند بماند بعهده گیرد. باید از نظر صلاحیت اخلاقی و دانش این فن مورد ارزیابی قرار گیرد. البته ناگفته نماند که بتازگی اتحادیه عکاسان اقدامی اساسی و بسیار مهم انجام داده است تا شاید این صنعت هنری تشکل و اهمیت بیشتری کسب نماید. چرا که در جهان مرفعی امروز این صنف بسیار باارزش و مورد توجه است. می‌پرسم: آیا با اتحادیه عکاسان همکاری نزدیک دارید و اگر دارید چه پیشنهاد سازنده‌ای کرده‌اند؟ می‌گوید: خانه دوم من اتحادیه است. من بعنوان یک عضو کوچک از همه عکاسان و اساتید و پیش‌کسوتان عاجزانه تمنا میکنم آنچه در توان دارند بکار گیرند تا این صنف باارزش بتواند بعنوان یک صنف نمونه در جهان مطرح شود.

می‌پرسم: واقعاً فکر می‌کنید روزی برسد که عکاسی ایران قابلیت عرضه در سطح جهان را پیدا کند؟ می‌گوید البته، وقتی چندین نمایشگاه در دنیا به معرض دید گذاشته شود بلاشک جهان تصویر از وجود عکاسان و تصویربرداران ایرانی بخوبی مطلع میگردد و آنگاه صنعت عکاسان ایرانی مطرح میشود.

از کاووس تشکر و خداحافظی میکنم. دلم نمی‌خواهد سوار ماشین شوم. احساس سبکی میکنم، در حاشیه خیابان ولی عصر نگاهی به سر در آفتاب عکاسی کاووس می‌اندازم و راه می‌افتم ذهنم را تصاویر زیادی اشغال کرده‌اند، از قله دماوند تا گل زیبای آفتابگردان و مقبره سعدی و حافظ و تخت جمشید تا لبخند ملیح چهره‌های خردسال، برآستی که دنیای تصویر چه عارفانه است.